

فیلم «صنعتی» ساختم

زمانی که این یادداشت را برای فیلم «بانوی گل سرخ» نوشتم، همایون صنعتی زنده بود. هنوز هم زنده است.

سال‌های دور، ساختن فیلم مستند «صنعتی» را دور از منش هنری خود می‌دانستم! و سال‌های بعد که نیاز مالی مرا به این کار وامی داشت از پس آن بر نمی‌آمدم؛ که ساختن این نوع فیلم هم کاربلدی می‌خواهد.

اما الآن خوشحال‌ام که از پس ساختن فیلم «صنعتی» برآمدم! و عجب هم اینکه این فیلم به نوعی سفارش «صنعتی» بود برای فیلم «صنعتی». و پس از نزدیک به یک سال و نیم که ساختن بانوی گل سرخ طول کشید، چند هفته‌ای وقت صرف شد برای تحویل آن فیلم «صنعتی» به «صنعتی»...!

سید عباس سیاحی (همان شاعر فیلم گبه) یادآورم شد که: «همایون صنعتی یکی از پنج انسان کم‌نظیر یکصد سال اخیر ایران و یکی از ده نفر شخصیت‌های تأثیرگذار قرن اخیر جهان است.» و من که هم کرمانی هستم و هم «همایون» و هم همسرش «شهین‌دخت» را می‌شناختم، این را به خوبی می‌دانستم.

اما نمی‌دانستم که چقدر سخت است راضی کردن همایون برای حضور جلوی دوربین. چون که از اساس با سینما مخالف است و مدام هم به من گوشزد می‌کرد که دنبال کار آبرومندتری بگردم! و اینها را با همان استدلال‌های تاریخی و جهان‌شناختی خود می‌گفت و کم‌کم هم در من اثر کرده بود که دیگر سینما همه حقیقت نیست و



Lady of the Roses

بانوی گل سرخ

A film by: Mojtaba Mirtahmasb

With participation of: Homayoun Sanati

۶۵۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

روی جلد فیلم بانوی گل سرخ ساخته مجتبی میرطهماسب



● مجتبی میرتهماسب

۶۵۴

نسبت اش با واقعیت بسیار دورتر است تا آنچه که من می دانستم! و کلید حضور همایون در جلوی دوربین، مرحوم شهین دخت بود. و نام و یاد او بود که همایون را جلوی دوربین من نشانده تا از شهین دخت بگوید و از همراهی و همدلی اش در تمام آن سال‌ها برای راه‌اندازی و مدیریت آن همه کار ماندنی.

و فیلم که تمام شد دانستم که کار من هم عبث نبود در برابر کار آن دو؛ که من توانستم ضرب کنم تصویر این تلاش و انرژی را در تعداد همه کسانی که فیلم را دیده‌اند و یا خواهند دید. و این همان دلیل حضور سینمای مستند است.

تمام دوران ساخت این فیلم کلاس درسی بود برای من تا بفهمم که هستند در این جهان هنوز کسانی که می‌شود به احترامشان کلاه از سر برداشت و با افتخار گفت که من هم چون ایشان ایرانی‌ام و این مُلک را دوست دارم و با عشق خود این مُلک را آباد می‌کنم؛ با مرارت!

حالا که دیرزمانی از اتمام فیلم می‌گذرد، هنوز انرژی بی‌پایان همایون و شهین دخت با من هست. هر زمان هم که قدری مستأصل می‌شوم از شرایط این روزگار به تماشای بانوی گل سرخ می‌نشینم تا دوباره آن انرژی در من نفوذ کند.

دی ماه ۱۳۸۷

شما هم ببینیدش.